

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۵

وصول مقاله: ۱۳۹۴/۲/۲

تأیید نهایی: ۱۳۹۴/۱۰/۵

صفحات: ۲۳۲ - ۲۱۵

ارزیابی جابجایی سلولی شاخص‌های کالبدی - اجتماعی در مناطق حاشیه نشین مورد شناسی: حاشیه نشینان شمال شهر تبریز

دکتر اکبر اصغری زمانی^۱، دکتر محسن احدنژاد روشنی^۲، شاهرخ زادولی خواجه^۳

چکیده

گسترش فیزیکی نابسامان و بی‌رویه‌ی شهرها یکی از مشکلات شهر و شهرنشینی جهان سوم در دوران معاصر است؛ به طوری که طی فرآیندی مداوم، محدوده‌های فیزیکی و فضاهای کالبدی شهر در جهات عمودی و افقی به لحاظ کمی و کیفی رشد می‌یابد و اگر این روند سریع و بی‌برنامه باشد، به ترکیبی نامتناسب از فضاهای شهری مشکل‌زا خواهد انجامید؛ لذا یکی از علل شکل‌گیری این روند و همچنین یکی از مهمترین پیامدهای آن، حاشیه نشینی شهری است. این مناطق از لحاظ شاخص‌های کالبدی - اجتماعی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. از این‌رو هدف این مقاله ارزیابی روند تغییرات سلولی شاخص‌های کالبدی - اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش مناطق حاشیه نشین شمال شهر تبریز در سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ است. روش پژوهش کاربردی از نوع توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است و برای ارزیابی تغییرات طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵ نیز از روش LCM و Crosstab در محیط نرم افزار Edrisi Selva استفاده گردیده است. نتایج پژوهش با استفاده از روش Crosstab حاکی از آن است که شاخص‌های کالبدی - اجتماعی طی این دوره زمانی در سطح مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز ارتقای کیفی و ک پیدا کرده است و طی این دوره زمانی هر قدر از حاشیه جغرافیایی به متن شهر نزدیک می‌شویم، کمیت و کیفیت شاخص‌ها افزایش می‌یابد و نشان می‌دهد که در این دوره حرکات شاخص‌ها در بلوک‌های شهری از حاشیه به متن ارتقا پیدا کرده است. کلید واژگان: جابجایی سلولی، مناطق حاشیه‌نشین، شاخص‌های کالبدی - اجتماعی، تبریز.

1- azamani621@gmail.com

2- ahadnejad@gmail.com

3- sh.zadvali@yahoo.com

۱- دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز

۲- دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زنجان

۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسؤل)

مقدمه

ایران به‌عنوان شانزدهمین کشور پر جمعیت جهان طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۰ جمعیتش ۶/۳ برابر افزایش یافته، در حالی که این رشد برای جمعیت جهان کمتر از ۳/۲ برابر بوده است. انتقال جمعیت به‌خصوص استقرار آن در کلانشهرها، خسارات فراوانی به بدنه جامعه شهری وارد نموده است. وقتی شهرنشینی با نرخ فزاینده‌ای افزایش می‌یابد، مسائل و مشکلات متعددی متوجه شهرها می‌شود که از جمله می‌توان به پیدایش و گسترش محلات حاشیه‌نشین و سکونتگاه‌های غیررسمی اشاره نمود.

محلات حاشیه‌نشین^۱ به مفهوم چتری برای حل و فصل دسته‌های متعدد سکونت کم‌درآمدها می‌باشند، محلات فرسوده داخل شهری، سکونتگاه‌های غیر رسمی و غیر قانونی نمونه‌هایی از این شیوه سکونتند که نشانگر عدم وجود قوانین و مقررات شفاف در نظام برنامه‌ریزی و نابسامانی شرایط اقتصادی شهرها است (Khalifa, 2011:40). این حاشیه‌نشینان به‌عنوان آینه تمام‌نمای مسائل شهری، جایگاه و اهمیت خاصی در تحقیقات اجتماعی پیدا کرده‌اند. امروزه وجود حاشیه‌نشینان در اطراف شهرهای بزرگ عادی به نظر می‌رسد، حدود ۳۰ درصد از افراد ساکن در شهرهای بزرگ در پایتخت‌های کشورهای جهان سوم در زاغه‌ها زندگی می‌کنند و کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. آنچه در بیشتر کشورهای جهان سوم و از جمله ایران رخ داده است، نه تنها نتیجه تقسیم کار بین المللی است، بلکه حاصل عدم تعادل در نظام‌های اقتصادی و اجتماعی آنهاست؛ بنابراین، می‌توان گفت که حاشیه‌نشین پدیده‌ای فراگیر است که وجه کالبدی آن به سبب چهره بیرونیش ملموس‌تر می‌باشد و به همین سبب نیز برای بسیاری، این وجه از پدیده قابلیت درک بیشتری دارد (امکچی، ۱۳۸۲:۸۲).

از اینرو شناخت انواع سکونتگاه‌های غیررسمی و محلات فقیرنشین در برنامه‌ریزی شهری بسیار ضروری

است (Wekesa et al, 2011:239). مثلاً سیاست‌های تأمین مسکن شهری کم‌درآمدها در تلاش برای غلبه بر کاهش فاصله تقاضا و عرضه مسکن شهری به اطلاعات کافی در مورد ویژگی‌های تقاضای مسکن نیازمندند، به علاوه آگاهی از شواهد تجربی ترجیحات، خواسته‌های خانوار برای تطابق عرضه با تقاضای مسکن و همچنین برآورد فضا و زمین لازم نیز بسیار ضرورت دارد (Ahmad et al, 2012:1).

پدیده حاشیه‌نشین در تبریز قبل از انقلاب و از دهه ۱۳۴۰ و همزمان با آغاز انقلاب سفید رژیم سابق آغاز شد. با ایجاد و راه‌اندازی واحدهای بزرگ صنعتی در تبریز، آهنگ خالی شدن روستاها در استان آذربایجان شرقی سرعت گرفت و حاشیه‌نشین جنبه عینی یافت. حاشیه‌نشینان به‌طور عمده در بخش‌های شمال و شمال غربی و جنوب تبریز اسکان گزیده و با ساخت و سازهای سلیقه‌ای و غیر متعارف، منظره بدقواره به چهره تبریز داده‌اند. چندین منطقه این شهر از جمله انتهای محله‌های سیلاب، یوسف‌آباد، خلیل‌آباد، داداش‌آباد، کشتارگاه، عباسی، مارالان، حافظ، طالقانی، لاله و آخامقیه از مراکز عمده تجمع حاشیه‌نشینان تبریز است. شهر تبریز با دارا بودن حدود ۴۰۰ هزار نفر حاشیه‌نشین، تعداد ۷۰ هزار واحد مسکونی را به این بخش اختصاص داده است. در مقام مقایسه با جمعیت کل شهر حدود ۳۰٪ شهروندان را شامل می‌شوند. همچنین قیمت زمین و ارزش آن در این ناحیه در سطح پایینی است و اصلی‌ترین عامل انتخاب این منطقه جهت زندگی توسط اهالی همین امر بوده است. به‌طوری که طبق بررسی‌های انجام یافته در سال ۱۳۵۴، ۸۸ درصد مهاجران روستایی علت اصلی سکونت خود را در این بخش ارزیابی قیمت زمین ذکر کرده‌اند (شکویی، ۱۳۵۴:۲۱)؛ بنابراین، باید دید که با وجود پیشرفت در زمینه‌های مختلف آیا این مناطق در زمینه‌های کمی و کیفی ارتقا پیدا کرده‌اند؛ پس، در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به سؤال‌های زیر می‌باشیم:

مهاجران روستایی هستند که به خاطر عوامل رانش روستایی و دیدن زرق و برق شهری به سوی این مناطق روی آورده‌اند. پدیده مهاجرت و رابطه آن با حاشیه‌نشینی و فرآیند سازگاری مهاجران در شهرها بسیار پیچیده است. بیگانه بودن مهاجران روستایی با اصول اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهری پیامد‌های گوناگون جمعیتی، رفتاری، اخلاقی و روانی دارد (جمالی، ۱۳۸۲: ۶۱). همچنین حاشیه‌نشینی یکی از عوارض مهاجرت‌های داخلی از روستا به شهر در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران است که پیوسته توجه برنامه‌ریزان اجتماعی و شهری را به خود جلب کرده است. این پدیده در واقع در پی حرکت این جوامع از سنتی به مدرن و تعارض‌های مربوط به این فرآیند همچنان به تشکیل و بقای خود ادامه می‌دهد و منجر به بروز اشکال ترکیبی بی‌سامان، متفاوت و ناهماهنگ با بافت سنتی نسبتاً یکدست شهری می‌شود. همچنین این حاشیه‌نشینان خود دارای چالش‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری هستند و از طرفی محیط شهر اصلی را نیز دچار مشکلات اجتماعی بسیاری مانند ناامنی و نظایر آن می‌کنند؛ بنابراین، بررسی وضعیت ساکنان این مناطق و ارائه راهکارهایی برای بهبود آنها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

پیشینه تحقیق

سکونتگاه‌های غیر رسمی در ایران انطباقی با محصول سبقت بخش سوم اقتصاد یا خدمات‌اند که آن هم حاصل فروش ماده خام، نفت و گاز می‌باشد. به دنبال وقوع تحولات شهری و رشد سریع و ناهمگون شهرنشینی در ایران، پدیده سکونتگاه‌های غیر رسمی ابتدا در تهران و سپس در سایر کلان‌شهرهای کشور شکل گرفت. در سال ۱۳۵۰، بنابر درخواست سازمان برنامه و بودجه، طرح وسیعی برای مطالعه و بررسی وضعیت سکونتگاه‌های غیر رسمی در کشور، توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران آغاز گردید. این طرح با مطالعه وضعیت سکونتگاه‌های

۱- آیا سطح تحولات شاخص‌های کالبدی-اجتماعی در نواحی اسکان غیررسمی تبریز از حاشیه جغرافیایی به متن اصلی شهرها تحت تأثیر بورس بازی‌های متداول زمین و مسکن شهری ارتقای کیفی پیدا کرده است؟

آیا میزان کیفیت شاخص‌های کالبدی-اجتماعی بین دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ تحت تأثیر سیاست‌های نوین مسکن اقشار کم درآمد افزایش داشته است؟

فرضیات تحقیق

۱- میزان کمی و کیفی شاخص‌های کالبدی-اجتماعی در مناطق اسکان غیررسمی (حاشیه‌نشین) تبریز از حاشیه جغرافیایی به متن اصلی شهرها در مقیاس قطعه مسکونی (سلول مسکونی) ارتقا می‌یابند.
۲- میزان کمی و کیفی شاخص‌های عمومی کالبدی-اجتماعی مناطق اسکان غیررسمی شهر تبریز طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ نامطلوب و نزولی است.

اهداف تحقیق

هدف کلی از این تحقیق تجزیه و تحلیل بررسی جابجایی سلولی (سلول مسکونی) شاخص‌های کالبدی-اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز است و در این راستا اهداف ذیل مد نظر می‌باشد:

۱- بررسی میزان کمی و کیفی شاخص‌های کالبدی-اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و تغییرات آن طی دوره زمانی در محدوده مورد مطالعه.
۲- دستیابی به ضرب‌آهنگ این تغییرات طی این دوره زمانی.

اهمیت و ضرورت تحقیق

حاشیه‌نشینی هم در اهداف هزاره سوم و هم در اسکان بشر سازمان ملل به‌عنوان یکی از چالش‌های توسعه جهان معرفی شده است (un 2003,2000). برخی تحقیقات که در زمینه ساخت قومی، جمعیتی و خاستگاه‌های اولیه حاشیه‌نشینان به عمل آمده، حاکی از آن است که تقریباً سه چهارم حاشیه‌نشینان،

رسانی و همکارانش (۱۳۸۵) مقاله‌ای تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسأله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز منتشر کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان دهنده آن است که مهمترین عامل ایجاد و گسترش مناطق حاشیه نشین، مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهر اهواز می‌باشد. همچنین مشخص شده، بین شدت حاشیه‌نشینی و افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان رابطه وجود دارد.

خوب آیند (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل علل اقتصادی - اجتماعی حاشیه نشینی در شهر اصفهان» در فرآیند تاریخی شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی، دو عنصر مکان و زمان به‌عنوان شرایط عام (لازم) برای تکوین این پدیده و دو عنصر اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان شرایط خاص (شرایط کافی) برای شناخت و درک آن جلوه می‌کنند. وی نتیجه می‌گیرد که درصد بیکاری در مناطق حاشیه‌نشین بسیار بالاتر از سایر مناطق شهری بوده و یکی از دلایل حاشیه‌نشینی در اصفهان است. میانگین درآمد حاشیه‌نشینان در مقایسه با سایر گروه‌های شهری بسیار پایین است و به‌عنوان یکی از دلایل اصلی حاشیه‌نشینی مطرح است و در نهایت میانگین اجاره بهای مسکن در مناطق حاشیه‌نشین پایین‌تر از سایر مناطق بوده و در تصمیم‌گیری افراد برای ساکن شدن در حاشیه شهر مؤثر بوده است.

قرخلو و شریفی (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای به بررسی پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی اقتصادی حاشیه نشینی (مطالعه موردی: محله عین ۲ اهواز) پرداخته‌اند. نتایج حاصله نشان می‌دهد که اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر رشد اقتصادی دهه‌های ۶۰ - ۱۹۵۰ در ایران و به تبع آن جنگ تحمیلی، اثرات مستقیم و تأثیرگذاری بر روند پیدایش و توسعه حاشیه نشینی در اهواز نهاده است. از سوی دیگر، اثرات شکل‌گیری هسته (هسته‌های) اولیه بر الگوی گسترش بعدی مشخص گردیده است. در بررسی نحوه استفاده

غیررسمی تهران شروع و سپس سایر شهرهای بزرگ کشور چون، بندرعباس، همدان، کرمانشاه و اهواز را نیز شامل شد. از آن تاریخ به بعد تحقیق‌ها و پژوهش‌های بسیاری در مورد حاشیه‌نشینی شکل گرفته است.

همچنین امروزه افزایش شهرنشینی و گسترش حاشیه‌نشینی در کشورمان انجام تحقیق‌هایی پیرامون حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی را نیز در پی داشته است. در این ارتباط اخیراً پژوهش‌هایی نیز انجام گرفته که به مهمترین آنها اشاره می‌گردد:

زنگ آبادی و مبارکی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهری و پیامدهای آن در شهر تبریز پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بیکاری، درآمد کم، پایین بودن اجاره بهای مسکن و مهاجرت گسترده از محیط شهری کوچک و روستاهای استان از دلایل مهم حاشیه نشینی در تبریز می‌باشد و این امر موجب ناهنجاری‌های شهری از جمله جرم و جنایت و اشتغال افراد حاشیه‌نشین در مشاغل کاذب می‌شود.

نوحه گر و همکارانش (۱۳۸۹) نیز در مقاله‌ای به بررسی ویژگی اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مناطق حاشیه‌نشین در شهر بندر عباس پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان دهنده آن است که با بهبود اوضاع اقتصادی خانوارها می‌توان انتظار داشت که محلات حاشیه‌نشینان به لحاظ کالبدی به یک پایداری نسبی دست یابند. همچنین مشخص شده است که می‌تواند اختلاف فاحشی در همبستگی مسائل اجتماعی با مسائل کالبدی وجود داشته باشد.

بیرانوندزاده و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان نگرش تحلیلی بر ساختار کالبدی-اقتصادی-اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین، به بررسی محله علی آباد شهر خرم آباد پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که عدم وجود معابر مناسب پیاده یا سواره، عدم وجود واحدهای تجاری مناسب، عدم وجود پارکینگ، نیروی انتظامی، درمانی، آموزشی، فرهنگی و فضای سبز، بر اوضاع نابسامان این محله افزوده است.

اسکان غیررسمی شده و به برنامه‌ریزان و سیاستمداران کمک کرده تا رشد مناطق اسکان غیررسمی و نابرابری‌ها را کنترل کنند.

روش تحقیق

تحلیل حاضر از نوع کاربردی است که با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی، از رویکرد کمی - تحلیلی در این پژوهش استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، حاشیه‌نشینان شمال شهر تبریز طی دوره زمانی ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵ است که سه چهارم مناطق حاشیه‌نشین شهر را شامل می‌شود. محدوده مورد مطالعه در شمال شهر و مابین دو میدان بزرگ آذربایجان در غرب و فهمیده در شرق قرار دارد و از شمال به کوه‌های عون بن علی ختم می‌شود. داده‌های این تحقیق از بلوک‌های آماری موجود در مرکز آمار ایران استخراج گردیده است. این داده‌ها ابتدا در نرم افزار Arc/View , Arc/GIS با استفاده از اطلاعات موجود شاخص سازی شده و سپس بر روی آنها تجزیه و تحلیل صورت گرفته است. در این تحقیق از ۱۵ شاخص اجتماعی و ۱۱ شاخص کالبدی استفاده شده است؛ این شاخص‌ها عبارتند از: متوسط بُعد خانوار، نرخ سالخوردگی، نرخ بی‌سوادی، نرخ بیکاری، نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم، بیکاری مردان، بیکاری زنان، نسبت باسوادی، نسبت جمعیت فعال، میزان اشتغال به تحصیل، نرخ باسوادی در بزرگسالان، نسبت جوانی، بار تکفل، مشارکت اقتصادی زنان، میزان فعالیت عمومی، تراکم خانوار در واحد مسکونی، تراکم نفر در واحد مسکونی، تراکم اتاق در واحد مسکونی، تراکم نفر در اتاق، متوسط تعداد اتاق برای هر خانوار، متوسط سطح زیربنا (متر)، نوع مصالح ساختمان، قدمت بنا، وضعیت نماکاری ساختمانها، نحوه تصرف واحد مسکونی و نوع مالکیت و خرید مسکن. همچنین تحقیق حاضر سعی در ارائه چگونگی پراکنش نابرابری‌های اجتماعی - کالبدی در مناطق حاشیه‌نشین و ارزیابی تغییرات این شاخص‌ها در بازه زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۵ را دارد. بدین جهت به منظور

از اراضی نیز کلیه کاربری‌ها کمبود محسوسی را نسبت به شاخص‌های استاندارد نشان داده‌اند. از طرفی حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی در سایر نقاط جهان و کشورهای در حال توسعه چالشی بحث برانگیز محسوب می‌شود.

مانوئل کاستلز^۱ در کتاب مسئله شهری در سال ۱۹۷۷ درباره گروه‌های حاشیه‌نشین در کشورهای در حال توسعه می‌گوید: شهرنشینی با آهنگ شتابنده‌ای گسترش می‌یابد، در حالی که امکانات اشتغال مولد برای جمعیت تازه وارد (مهاجران) فراهم نیست؛ امکانات و تسهیلات زیربنایی، اجتماعی و فیزیکی، سکونتگاهها و محله‌های نامتعارف از قبیل زاغه‌ها و آلونک‌های حاشیه‌ای که از طریق مهاجران تازه وارد و تهی دست برپا شده به شیوه خودرو و خودساز بوجود می‌آیند. در نهایت وی حاشیه‌نشینی را مولود نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی و شهرنشینی ناهمگون و انتقال فقر روستایی به فقر شهری می‌داند (آقابخشی، ۱۳۸۲: ۱۸۹). در زیر به تحقیقات خارجی مهم که اخیراً در رابطه با حاشیه‌نشینی ارائه شده‌اند، اشاره می‌شود.

زولو و همکارانش^۲ (۲۰۱۱) مقاله‌ای تحت عنوان مروری بر پویایی مهاجرت، فقر و بهداشت در منطق حاشیه‌نشین شهر نایروبی ارائه داده‌اند. یافته‌ها نشان دهنده این است که افراد مناطق حاشیه‌نشین با وضعیت فقر و مهاجرت و به تعامل با مسائل مربوط به فقدان سلامتی زندگی می‌کنند. همچنین بر خلاف عقاید و باورهای مردمی فهمیده شد که محله‌های فقیرنشین برخلاف مناطق مسکونی همگن به شدت پویا و ناهمگن هستند.

فلاکه و اسلیوزاس^۳ (۲۰۱۱) نیز مقاله‌ای تحت عنوان مدل رشد اسکان غیررسمی در دارالسلام تانزانیا به انجام رسانیده‌اند. این تحقیق که به بررسی شاخص‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی در این مناطق پرداخته، باعث درک بالا نسبت به رشد مناطق

1 - Manuel Castells
2 - Zulu et al
3 - Flacke & Sliuzas

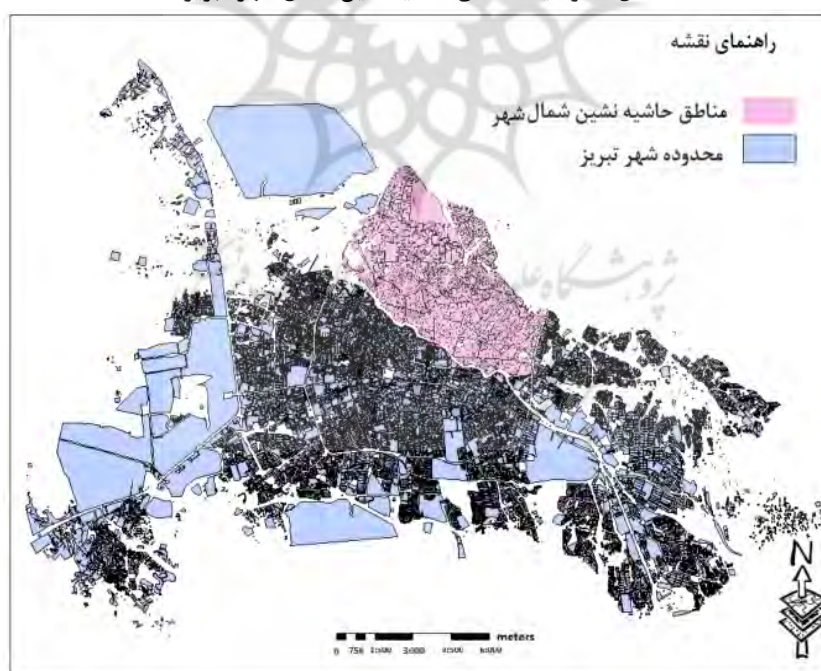
شهر به دلیل جای دادن بسیاری از کارخانجات مادر و بزرگ صنعتی در خود و نیز وجود بیش از ۶۰۰ شرکت قطعه ساز در آن، یکی از بزرگترین شهرهای صنعتی کشور به شمار می‌رود و به دلیل صنعتی بودن، یکی از مهم‌ترین شهرهای مهاجرپذیر ایران محسوب می‌شود. در تبریز (در سال ۱۳۸۷)، بر اساس اعلام شهردار تبریز از کل جمعیت شهر حدود ۴۰۰ هزار نفر آن حاشیه‌نشین هستند که در بخش‌های شمال، شمال غربی، جنوب و جنوب غربی شهر اسکان یافته‌اند. بیشترین وسعت و جمعیت حاشیه‌نشین در گونه حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز قرار گرفته‌اند. حیدر آباد، داداش آباد، کوی بهشتی، ایده‌لو و سیلاب از جمله محلات حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز محسوب می‌شوند.

تحلیل اطلاعات شاخص‌های کالبدی و اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین و تغییرات آن در طول دوره مورد مطالعه، از سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) و روش LCM و Crosstab در محیط نرم افزار IDRISI Selva استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه

تبریز یکی از شهرهای بزرگ ایران و مرکز استان آذربایجان شرقی است. این شهر بزرگ‌ترین شهر منطقه شمال غرب کشور و قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه است. براساس سرشماری مرکز آمار ایران، شهر تبریز با جمعیتی بالغ بر ۱۴۹۴۹۹۸ نفر در سال ۱۳۹۰، پنجمین شهر پرجمعیت ایران پس از شهرهای تهران، مشهد، اصفهان و کرج محسوب می‌گردد. این

شکل ۱: موقعیت مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز



منبع: نگارندگان

در دست نبودن اطلاعات در سطح واحد مسکونی در این تحقیق از بلوک مسکونی به جای واحد مسکونی به عنوان سلول شهری استفاده گردیده است. بلوک مسکونی عبارت است از چندین واحد مسکونی که

مبانی نظری

تبیین سلول شهری

در بررسی‌های مناطق شهری کوچکترین واحد شهری واحد مسکونی محسوب می‌شود، ولی به علت

ناهماهنگ شالوده‌ها و ناپیوستگی^۱ و دوگانه‌گرائی^۲ جامعه است». پیداست این پدیده در همهٔ اجتماعیاتی که اسیر نابرابریها و تناقضات بنیانی‌اند، به اشکال گوناگون نمایان می‌شود و به تدریج در روند ناموزون جامعه رشد می‌یابد (زاهدزاهدانی، ۱۳۸۰: ۸).

علل پیدایش و رویش حاشیه‌نشینی

در تبیین اسکان غیررسمی باید به علل گوناگونی در سطوح مختلف اشاره کرد که البته با توجه به زمینه‌های مشخص جوامع اثر بخشی چیرگی هر یک از علل متفاوت است. نخستین علت در سطح کلان، علت ساختاری است که عبارت است از ساز و کار تبعیض‌آمیز و فقرزا بر پایهٔ توزیع غیر عادلانهٔ منابع قدرت، ثروت و درآمد. تجلی فضایی این سازوکار در مقیاس یک کشور عدم تعادل‌های منطقه‌ای است و در مقیاس منطقه‌ای و محلی، رجحان فضاهایی بر گزیده‌ای مانند شهرهای بزرگ و محله‌های ثروتمندان در برابر دیگر نواحی مراکز زیست‌فعالیت است که به حرکت جمعیت‌های مهاجرت به سوی کانون‌های برگزیده می‌انجامد. از آنجا که این جمعیت عمدتاً همچون پناه جویان اقتصادی بدون توجه به قابلیت‌های طبیعی و ظرفیت‌های «انسان ساخت» مقصدشان در پی دسترسی به فرصت‌های اشتغال و درآمد سرازیر می‌شوند، تقاضای ناگهانی و پرشتابی برای اسکان خود در نواحی محدودی به وجود می‌آورند. این تقاضا باعث افزایش قیمت‌ها، کاهش ذخیرهٔ مسکن، نارسایی خدمات شهری و اشباع شبکه‌های زیربنایی می‌شود؛ در چنین شرایطی، مهاجرین کم درآمد توان استفاده از بازار رسمی زمین و مسکن را نداشته و با اصرار بر لزوم استقرار خود در همان ناحیه، فضایی ناخوشایند و نامطمئن، لیکن ارزان‌تر را در بازار غیررسمی زمین و مسکن تهیه می‌کنند و بدین گونه اسکان غیررسمی شکل می‌پذیرد. جدای از این علت ساختاری، باید علل دیگری را نیز که در شکل‌گیری اسکان غیررسمی و

متصل به هم می‌باشند. می‌توان بلوک یا سلول را همان واحدهای همسایگی کلارنس پری نیز نامید. واحد همسایگی یکی از واحدهای تشکیل‌دهنده پایه‌ی شهر به شمار می‌روند؛ واحدهای کالبدی متوسط‌الاندازه‌ای که فعالیت مسکونی هر شهر را آرایش داده و محیطی را که مردم هر روزه در آن زندگی می‌کنند، شکل دهند. واحد همسایگی به منزله خانه‌های مسکونی با محیط پیرامونی آن است که در کنار هم یک کل بهم پیوسته را تشکیل می‌دهند و دارای یک هویت جمعی و محله‌ای هستند (زیاری، ۱۳۹۰: ۵۷).

حاشیه‌نشینی

تاکنون تعاریف متعددی درباره حاشیه‌نشینی ارائه شده که اغلب موارد منظور استعمال کلمه SLUM بوده است. SLUM به مفهوم محله یا کوچه‌های کثیف یک شهر یا مسکن انحطاط یافته و غیر منطقی در نظر گرفته می‌شود (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۱: ۵). منطقه حاشیه‌نشین، منطقه‌ای است که فقر در چهره آن شدید نمایان است و میزان زاد و ولد و مرگ و میر کودکان و نوزادان و اعمال نامشروع، جرم و بزهکاری جوانان، ناهنجاری‌ها و مرگ و میر عمومی در آن بالاست. به طوری که چنین مکانی معرف وضعیت جهنم گونه در روی زمین است (هیراسکار، ۱۳۷۶: ۱۰۸). حاشیه‌نشین نیز به مفهوم کلی به کسی گفته می‌شود که در شهر سکونت دارد، ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند. اگرچه ریشه اصلی حاشیه‌نشینی را باید در عواملی که موجب مهاجرت افراد از روستا به شهر می‌شود جست و جو کرد، ولی تمام حاشیه‌نشینان از مهاجران تشکیل نیافته‌اند، بلکه بخشی از آنان افرادی هستند که ساکنان همیشگی شهر بوده‌اند، ولی به علت فقر اقتصادی در واحدهای مسکونی غیر استاندارد زندگی می‌کنند و جزء حاشیه‌نشینان محسوب می‌شوند (عابدین درکوش، ۱۳۸۰: ۱۲۱). به گفتهٔ اسکار لوئیس پژوهشگر آمریکایی نیز «حاشیه‌نشینی میراث تغییرات

1 - Desintegration

2 - Dualisme

تدابیر و سیاست‌های مناسب برای حل این مشکل مهم اجتماعی فراهم می‌آورد (انتظاری، ۱۳۶۸: ۹۱). سازمان‌های شهری همواره با تقاضاهایی از حاشیه‌نشینان برای تأمین خدمات و تسهیلات مورد نیاز آنان روبرو هستند. وضع نامطلوب اسکان آنان، ساختمان‌هایی بی‌قواره و کوچه‌های درهم و نامناسب بودن زمین اشغالی آنان، فراهم نمودن این خدمات را سخت و دشوار می‌سازد. اغلب از حاشیه‌نشینی به‌عنوان یک معضل اجتماعی نام برده می‌شود که در حقیقت نتیجه‌ای از تخریب سیستماتیک روابط حاکم قدیمی بر اقتصاد کشور (به‌ویژه کشاورزی) طی دوران تکیه بر درآمد نفت و رواج الگوی مصرف‌گرایی و گسترش واردات است.

بحث اصلی و یافته‌ها

بررسی شاخص‌های اجتماعی در مناطق

حاشیه‌نشین طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵

بر اساس یافته‌های اولیه از ۲۰۹۰ بلوک در سال ۱۳۷۵ تعداد ۳۶ بلوک معادل ۱/۷۳ درصد خیلی مطلوب، ۳۱۱ بلوک معادل ۱۰/۱ درصد مطلوب، ۱۳۱۲ بلوک معادل ۶۲/۷۶ درصد وضعیت متوسط، تعداد ۴۱۲ بلوک معادل ۱۹/۷۱ درصد نامطلوب و تعداد ۱۱۹ بلوک معادل ۵/۶ درصد بسیار نامطلوب شناخته شده‌اند. بلوک‌های بنفش و آبی به‌عنوان بلوک‌های دارای وضعیت بسیار مطلوب و مطلوب شناخته شدند. در عین حال بلوک‌های قهوه‌ای و قرمز به ترتیب نشان دهنده وضعیت نامطلوب و بسیار نامطلوب و بلوک‌های رنگ سبز نیز وضعیت متوسط و متعادل را نشان می‌دهند.

تداوم آن مؤثرند، ذکر کرد که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- ضعف برنامه‌های مشخص و مؤثر برای پاسخگویی به نیاز سر پناه کم درآمد در توزیع جغرافیایی مناسب.
- ۲- عدم پیش‌بینی فضای مسکونی کافی و مناسب اقبال کم درآمد در طرح‌های کالبدی شهری و اعمال استانداردهای خارج از استطاعت ایشان.
- ۳- دسترسی ناچیز به نظام‌های رسمی اعتباری و وام مسکن برای کم درآمدها به ویژه شاغلین در بخش غیررسمی.
- ۴- با وجود باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین به موازات اهمال و ناتوانی در نظارت و کنترل ساخت و سازها به‌ویژه در فضای بینابینی شهرها.
- ۵- فقدان نهادسازی برای تجهیز و تجمیع منابع اقبال کم درآمد و عدم حمایت و هدایت دولت در مورد خانه‌سازی خویار (زورمند، ۱۳۸۷: ۳۴).

پیامدهای حاشیه‌نشینی

به دنبال پدیدار شدن اجتماعات حاشیه‌نشین، مسائل و مشکلاتی دامنگیر شهرها شده که شاید به‌طور مستقیم، زاده مسأله حاشیه‌نشینی بوده است، ولی در واقع تأثیر غیر مستقیمی است که عوامل بوجود آورنده و تشدید کننده حاشیه‌نشینی مسبب آنند. تأثیرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و گاه سیاسی حاشیه‌نشینی بر سیستم اقتصادی حاکم بر کل جامعه، بر روابط اجتماعی و محیط زندگی شهری و همچنین بر فرهنگی که با آن در تماس هستند و محیط زیستی که به آلودگی و خطرات موجود در آن دامن می‌زنند، بسیار خطرناک و مخرب است (مشهدی‌زاده دهاقانی، ۱۳۷۸: ۱۴۱). حاشیه‌نشینی به مثابه فرو ریختن مبانی فرهنگی مجموعه‌های پیشین است و موجب پیدایش محیط‌هایی می‌شود که فرهنگ معینی ندارند و انسان در آن هویت مشخصی پیدا نمی‌کند؛ بنابراین، بریده از فرهنگ معینی است که در حقیقت مبین دینامیسم نابرابری در مقیاس ملی و جهانی است که امکان شناخت صحیح این واقعیت اجتماعی را برای اتخاذ

شکل ۲: وضعیت شاخص‌های اجتماعی در سال ۱۳۷۵



منبع: یافته‌های پژوهش

در سال ۱۳۸۵ وضعیت شاخص‌های اجتماعی به گونه‌ای دیگر است. در این سال اکثر پهنه‌ها و بلوک‌ها دارای وضعیت مطلوبی می‌باشند و هر چقدر از حاشیه به متن شهر نزدیک می‌شویم کیفیت شاخص‌ها افزایش پیدا می‌کند و بر عکس، بلوک‌های نزدیک به حاشیه دارای وضعیت نامطلوب از لحاظ شاخص اجتماعی را دارا هستند.

اجتماعی در مرکز محدوده مورد مطالعه دارای وضعیت بسیار مطلوب می‌باشد. همچنین نقاط مطلوب که با رنگ آبی نیلی مشخص است نیز اکثراً در مرکز این محدوده قرار دارند. نامطلوبیت این شاخص‌ها نیز به سمت داخلی شهر (متن شهر) سوق دارد و نشان می‌دهد که شاخص‌های اجتماعی نسبت به نزدیکی شهر دارای وضعیت نامطلوب‌تر در سال ۱۳۷۵ هستند.

شکل ۳: وضعیت شاخص‌های اجتماعی در سال ۱۳۸۵



منبع: یافته‌های پژوهش

مطالعه در این سال دارای وضعیت نامطلوبی از نظر شاخص‌های کالبدی می‌باشند. همچنین این نقشه نشان می‌دهد که اکثر نقاطی که دارای وضعیت مطلوب از نظر شاخص‌های کالبدی می‌باشند، به سمت متن شهر گرایش دارند. در بین این بلوک‌ها همچنین شاهد بلوک‌هایی می‌باشیم که از نظر شاخص کالبدی دارای وضعیت نامساعدی می‌باشند.

بررسی شاخص‌های کالبدی در مناطق حاشیه‌نشین طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵

در این تحقیق همچنین برای بررسی وضعیت کالبدی مناطق حاشیه‌نشین از ۱۱ شاخص کالبدی استفاده گردیده است. شکل شماره ۴ وضعیت شاخص‌های کالبدی را در مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد. این شکل نماینگر این است که اکثر بلوک‌های محدوده مورد

شکل ۴: وضعیت شاخص‌های کالبدی در مناطق حاشیه‌نشین در سال ۱۳۷۵

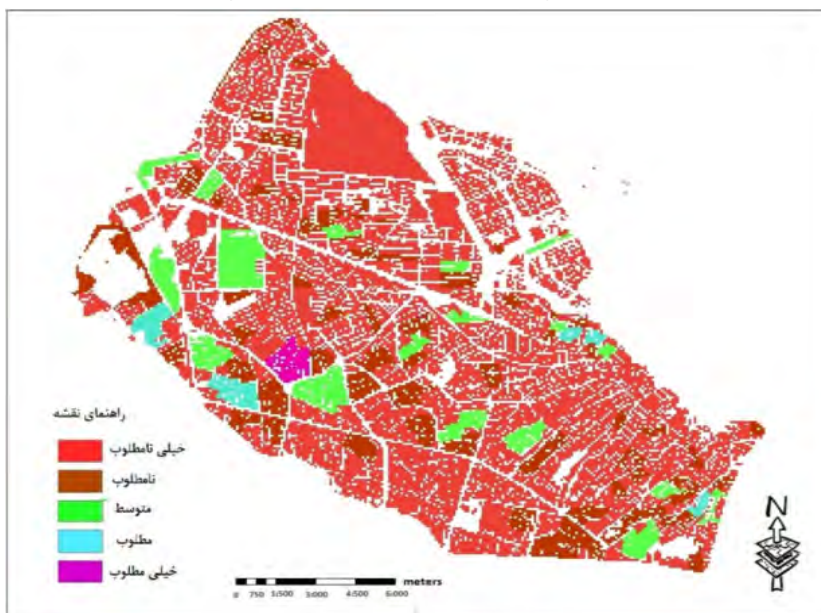


منبع: یافته‌های پژوهش

دارای کیفیت بهتری از لحاظ شاخص کالبدی است. همچنین بلوک‌هایی در حاشیه شهر نیز وجود دارند که دارای وضعیت مطلوبی می‌باشند. شکل شماره ۵ به صورت روشنی وضعیت بلوک‌های حاشیه‌نشین را از نظر شاخص کالبدی در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

سال ۱۳۸۵ نشان دهنده اندک تفاوت از نظر شاخص‌های کالبدی با سال ۱۳۷۵ می‌باشد. اکثر نقاط، دارای وضعیت نامطلوب از نظر شاخص‌های کالبدی در محدوده مورد مطالعه می‌باشند، با این تفاوت که قسمت‌های بیشتری از بلوک‌های نزدیک به متن شهر دارای وضعیت مطلوب‌تری گردیده‌اند و این قسمت

شکل ۵: وضعیت شاخص‌های کالبدی در مناطق حاشیه‌نشین در سال ۱۳۸۵



منبع: یافته‌های پژوهش

بلوک‌هایی که از نظر این شاخص‌ها وضعیت بسیار نامطلوب دارند، در قسمت‌های مختلف این محدوده به‌ویژه در مرکز این محدوده پراکنده شده‌اند. بلوک‌هایی که دارای وضعیت مطلوب از لحاظ شاخص‌ها دارند، در نزدیکی متن شهر جای گرفته‌اند و به‌صورت پراکنده نیز در بلوک‌های دیگر گسترش یافته‌اند.

بررسی شاخص‌های کالبدی و اجتماعی به‌صورت تلفیقی

شکل شماره ۶ نشان دهنده تلفیق شاخص‌های اجتماعی - کالبدی در سال ۱۳۷۵ در مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز است. این شکل نشان می‌دهد که شاخص‌های اجتماعی-کالبدی در اکثر بلوک‌ها، دارای وضعیت نامطلوبی می‌باشند. همچنین

شکل ۶: وضعیت تلفیق شاخص‌های کالبدی و اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین در سال ۱۳۷۵



منبع: یافته‌های پژوهش

این شاخص‌ها دارای کیفیت مطلوب‌تری گردیده‌اند و این بلوک‌ها هرچقدر نزدیک به متن شهر می‌شوند، دارای وضعیت مطلوب‌تری می‌شوند. شکل شماره ۷ وضعیت شاخص‌های کالبدی - اجتماعی را در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۸۵ از نظر شاخص‌های کالبدی و اجتماعی، وضعیت مطلوب‌تر گردیده است. با وجود نامطلوب بودن اکثر بلوک‌ها از لحاظ این شاخص‌ها ولی کیفیت بلوک‌ها نسبت به سال ۱۳۷۵ افزایش داشته است و بلوک‌های بیشتری نسبت به سال ۱۳۷۵ از نظر

شکل ۷: وضعیت تلفیق شاخص‌های کالبدی و اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین در سال ۱۳۸۵



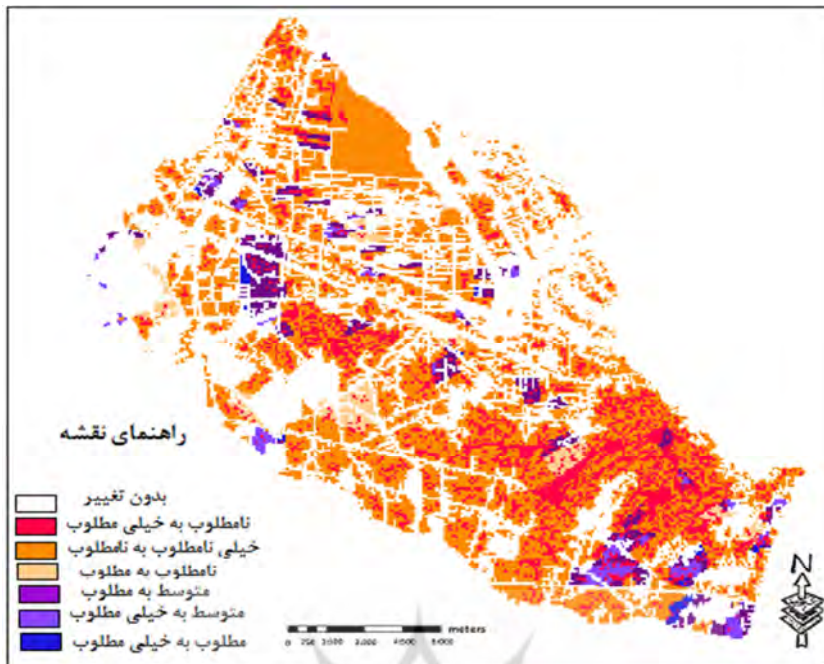
منبع: یافته‌های پژوهش

برای بررسی میزان تغییرات شاخص‌های محدوده مورد مطالعه از یک روش پیکسل مدار استفاده گردیده است؛ به عبارتی نقشه‌های حاصل از شاخص‌های کالبدی و اجتماعی در محیط GIS به نرم افزار IDRISI انتقال داده شده و با استفاده از روش LCM و Crosstab تغییرات حاصل از این پیکسل‌های ارزش‌دار شاخص‌ها در بازه زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ به صورت مقایسه پیکسلی استخراج گردیده‌اند. شکل‌های زیر فرایند استخراج تغییرات شاخص‌ها را نمایش می‌دهند که در این شکل‌ها حرکات سولی شاخص‌ها (بلوک به بلوک) و میزان تغییر آنها نمایش داده شده است.

بررسی تغییرات شاخص‌های کالبدی - اجتماعی در محدوده مورد مطالعه طی بازه زمانی ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵

در این قسمت به بررسی میزان تغییرات شاخص‌های اجتماعی - کالبدی از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۵ پرداخته می‌شود. بدین منظور از روش Crosstab یا جداول متعامد استفاده می‌گردد. همان‌طوری که اشاره گردید، مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز در سال ۱۳۷۵ دارای وضعیت نامطلوب از لحاظ شاخص‌های مورد بررسی بودند و در سال ۱۳۸۵ این شاخص‌ها وضعیت مطلوب‌تری پیدا کرده‌اند و این مطلوبیت به سمت متن شهرها سوق پیدا کرده است.

شکل ۸: تغییرات سلولی شاخص‌های اجتماعی طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵

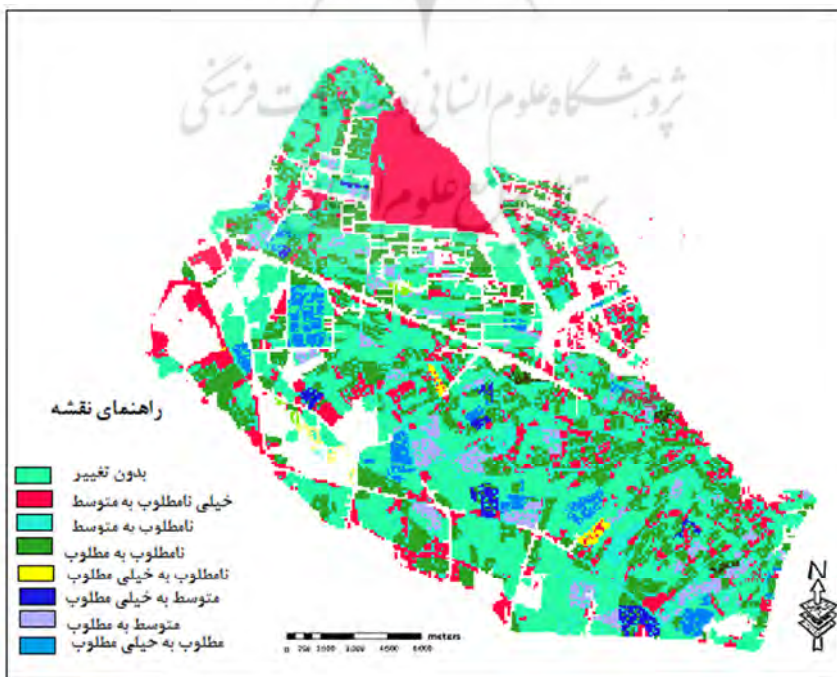


منبع: یافته‌های پژوهش

پیکسلی به‌طور موازن صورت گرفته است و تغییرات به‌صورت گسترده نمی‌باشد و طی این دوره اختلاف فاحشی مشاهده نمی‌گردد.

شکل شماره ۸ نشان می‌دهد که بیشترین تغییرات شاخص‌های اجتماعی از خیلی نامطلوب به نامطلوب می‌باشد و از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ تغییرات به‌صورت

شکل ۹: تغییرات سلولی شاخص‌های کالبدی طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵



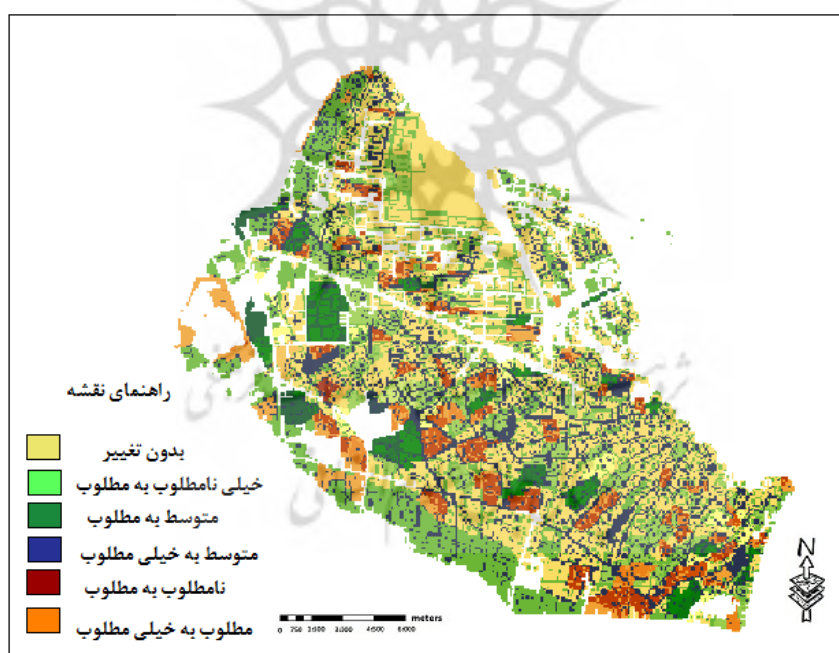
منبع: یافته‌های پژوهش

نزدیکی به متن شهر این تغییرات بیشتر و برعکس در حاشیه محدوده مورد مطالعه این تغییرات کمتر است. همچنین این شکل نشان دهنده تغییرات، بیشتر از حالت نامطلوب و خیلی نامطلوب به مطلوب است. همچنین نتایج استخراج شده نشان می‌دهد که کمترین تغییرات موجود در طی این دوره زمانی از وضعیت مطلوب به خیلی مطلوب است و این نشان می‌دهد که سیاست‌های موجود، بیشتر به وضعیت افراد فقیرتر از نظر شاخص‌های کالبدی - اجتماعی رسیدگی می‌کنند و تغییرات در بین شاخص‌های نامطلوبتر در بلوک‌های محدوده مورد مطالعه محسوس‌تر است.

از شکل شماره ۹ نیز که تغییرات پیکسلی یا همان سلولی شاخص‌های کالبدی در بلوک‌های مسکونی مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز را نشان می‌دهد، می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین تغییرات کیفی و کمی و ارتقای شاخص‌ها در نزدیکی متن شهرها صورت گرفته است و در این بلوک‌ها تغییرات به صورت گسترده‌ای می‌باشد. بیشترین تغییرات شکل گرفته مربوط به نامطلوب به متوسط و در مرحله دوم مربوط به نامطلوب به مطلوب می‌باشد.

شکل شماره ۱۰ نیز تغییرات را در شاخص‌های کالبدی و اجتماعی به صورت تلفیقی نشان می‌دهد و در این شکل مشخص است که تغییرات به صورت گسترده در تمام بلوک‌ها قابل رؤیت است، ولی در

شکل ۱۰: تغییرات سلولی شاخص‌های اجتماعی و کالبدی طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵



منبع: یافته‌های پژوهش

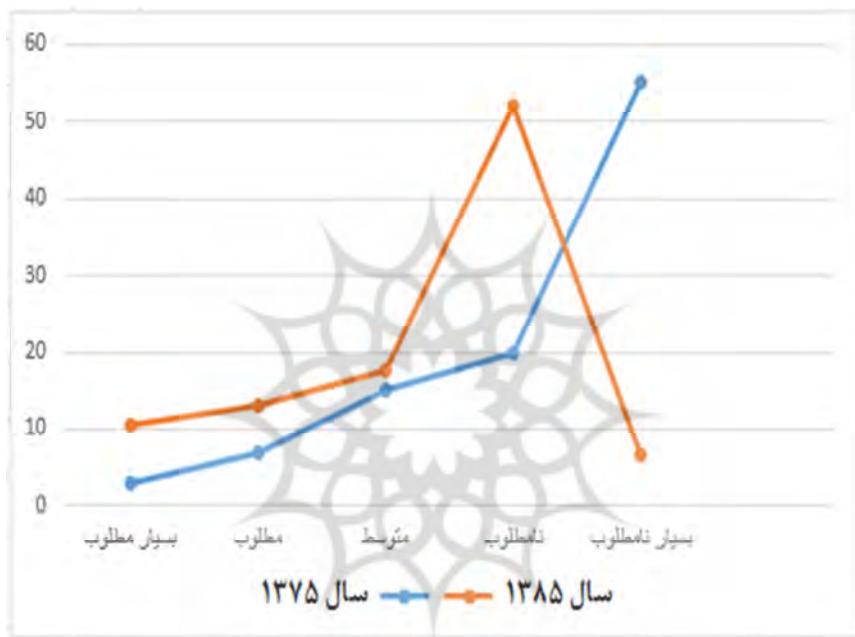
در این دوره حرکات شاخص‌ها در بلوک‌های شهری از حاشیه به متن ارتقا پیدا کرده‌اند. از نظر شاخص‌های کالبدی - اجتماعی بر اساس یافته‌های اولیه از ۲۰۹۰ بلوک در سال ۱۳۷۵ تعداد ۶۳ بلوک معادل ۳ درصد خیلی مطلوب، ۱۴۶ بلوک معادل ۷ درصد مطلوب، ۳۱۴ بلوک معادل ۱۵ درصد وضعیت متوسط، تعداد ۴۱۸ بلوک معادل ۲۰ درصد نامطلوب و تعداد ۱۱۴۹

بر اساس مطالعه تطبیقی مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز بر اساس شاخص‌های کالبدی - اجتماعی طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵ می‌توان نتیجه گرفت که این شاخص‌ها بر اساس یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که طی این دوره هر چقدر از حاشیه جغرافیایی به متن شهر نزدیک می‌شویم، کمیت و کیفیت شاخص‌ها افزایش می‌یابد و نشان می‌دهد که

بسیار نامطلوب شناخته شده‌اند. این نشان می‌دهد که اکثر بلوک‌ها دارای وضعیت نامطلوبی بوده، ولی افزایش و ارتقای کمی و کیفی شاخص‌های اجتماعی - کالبدی در بازه زمانی مورد مطالعه دارد. نمودار زیر تغییرات شاخص‌های کالبدی - اجتماعی را طی بازه زمانی نشان می‌دهد.

بلوک معادل ۵۵ درصد بسیار نامطلوب شناخته شده‌اند. بر اساس یافته‌های اولیه از ۲۱۱۶ بلوک در محدوده مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵ تعداد ۲۲۶ بلوک معادل ۱۰/۶۸ درصد خیلی مطلوب، ۲۷۹ بلوک معادل ۱۳/۱۸ درصد مطلوب، ۳۷۳ بلوک معادل ۱۷/۶۳ درصد وضعیت متوسط، تعداد ۱۱۰۰ بلوک معادل ۵۲ درصد نامطلوب و تعداد ۱۳۸ بلوک معادل ۶,۵۱ درصد

شکل ۱۱: نمودار تغییرات درصدی وضعیت کالبدی-اجتماعی بلوک‌ها بین سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵



منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

شده از بافت موجود شهرهاست. اینگونه سکونتگاهها که سیمایی نازیبا، خدماتی پایین و ساکنینی کم توان و مشاغلی نامطمئن دارند، محیطی آماده برای پذیرش ناپهنجاری‌های اجتماعی فراهم می‌سازند و خطرپذیری بالایی در برابر سوانح طبیعی و انسانی دارند. بر اساس اعلام مسئولان استانی بالغ بر هزار و ۵۰۰ هکتار سکونتگاه غیررسمی و حاشیه‌نشینی در شمال شهر تبریز وجود دارد و این درحالیست که این منطقه بر روی گسل واقع شده و ساختمان‌های آنها درمقابل کوچکترین تکان‌ها نیز مقاوم نیستند. این پدیده بنابر مشاهدات جهانی و آسیب‌شناسی فرایند شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه پدیده‌ای موقتی و روبه زوال نیست، بلکه همواره رو به گسترش است. مطالعه

بدون تردید عمده‌ترین ویژگی قرن حاضر، گشوده شدن چشم‌اندازهای جدید در سکونتگاههای انسانی و تمرکز بی‌سابقه جمعیت در کلانشهرها و جهانشهرها می‌باشد. طی دهه‌های اخیر به تدریج محلات نابسامان و سکونتگاههای غیررسمی به‌طور عمده در حاشیه‌ی کلانشهرها و شهرهای بزرگ کشور، خارج از برنامه رسمی توسعه شهری و به صورت خودرو شکل گرفته و گسترش یافته‌اند. این محلات خودرو یا حاشیه‌نشین به بیان درست‌تر، اسکان غیررسمی نامیده شده‌اند و کارکرد اصلی آنها تأمین زمین و الگوی ساخت متناسب با توان مالی گروههای کم درآمد مهاجر از روستاها یا گروههای کم درآمد و فقیر شهری رانده

- ایجاد مراکز مشاوره، مددکاری اجتماعی و ... جهت شناسایی و استفاده از حداکثر توانایی‌های فردی و افزایش سطح سازگاری، حس مسئولیت‌پذیری و انضباط و منزل اجتماعی افراد.
- جهت‌گیری سیاست‌ها برای تحقق توانمندسازی خانواده با استفاده از مشارکت سازمان‌های غیردولتی و ارتقای روحیه خودباوری آنها.
- عرضه‌ی ارزان قیمت مصالح بادوام برای ساخت و ساز و بهسازی خانه‌ها از طرف سازمان‌های مدیریت شهری و ارائه وام‌های بلندمدت و میان مدت با هدف ارتقای کیفیت و استحکام خانه‌ها.
- بالا بردن سطح فرهنگی و تقویت ارزش‌های معنوی به منظور استفاده‌های مشروع از خدمات و امکانات و همچنین جلوگیری از ارتکاب جرم از سوی خود ساکنان محل.
- توجه ویژه به حقوق زنان و کودکان از طریق فعال ساختن و شریک کردن آنان در طرح‌های ساماندهی و توانمندسازی محله.
- کمک به ارتقای روحیه مشارکت و همکاری از طریق جذب ساکنان در تشکل‌های محلی یا جماعتی (CBO) و تشکل‌های غیردولتی (NGO).
- زمینه‌سازی برای ایجاد فعالیت‌های اقتصادی منطبق با شرایط و ویژگی‌های مهاجران از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و بالابردن مهارت نیروی کار.
- ایجاد تعاونی‌های کارگران با حمایت بخش دولتی و بیمه‌ی بخش غیررسمی از طرف دولت.
- استفاده از نیروی کار زنان از طریق ایجاد کارگاهها و آموزشگاههای مختلف.
- ارتقای شبکه‌های زیربنایی و خدمات رسانی از قبیل شبکه‌ی فاضلاب، تأسیسات گاز، برق، تلفن و آب با حمایت بخش دولتی و با مشارکت خود مردم.
- ایجاد تعاونی‌های مسکن و تقویت آنها در ساخت و ساز واحدهای مسکونی متناسب با توانایی اقتصادی ساکنان و نظارت بر آنها به منظور رعایت اصول فنی و استانداردها در ساخت و ساز.

- تطبیقی مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز و مقایسه شاخص‌های کالبدی - اجتماعی طی دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۵ بیانگر این است که طی این دوره هر چقدر از حاشیه جغرافیایی به متن شهر نزدیک می‌شویم، کمیت و کیفیت شاخص‌ها افزایش می‌یابد و نشان می‌دهد که در این دوره حرکات شاخص‌ها در بلوک‌های شهری از حاشیه به متن ارتقا پیدا کرده است؛ بنابراین، بر اساس یافته‌های تحقیق فرضیه اول با عنوان میزان کمی و کیفی شاخص‌های کالبدی - اجتماعی در مناطق اسکان غیررسمی (حاشیه‌نشین) از حاشیه جغرافیایی به متن اصلی شهرها در مقیاس قطعه مسکونی (سلول مسکونی) ارتقا می‌یابند، تأیید می‌شود و در نقشه‌های استخراجی مشاهده می‌شود که ارتقای شاخص‌های کالبدی - اجتماعی از حاشیه به سمت متن شهر بوده است. نتایج به‌دست آمده برای فرضیه دوم که عبارت است میزان کمی و کیفی شاخص‌های عمومی کالبدی - اجتماعی مناطق اسکان غیررسمی شهر تبریز طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ نامطلوب و نزولی می‌باشد، موجب رد این فرضیه می‌شود. چون با توجه به یافته‌های پژوهش تمام تغییرات صورت گرفته از وضعیت نامطلوب به مطلوب بوده است و حالت صعودی داشته و بلوک‌هایی دیده نمی‌شود که تغییرات آن از یک وضعیت مطلوب به وضعیت نامطلوب صورت گرفته باشد.
- با توجه به نامطلوب بودن شاخص‌های اجتماعی و کالبدی در مناطق اسکان غیررسمی پیشنهاداتی برای ارتقای کمی و کیفی این شاخص‌ها ارائه می‌گردد:
- بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و حاشیه‌نشین در کلان شهرها.
- اجرای طرح‌های کار آفرینی و احداث کارگاههای کوچک جهت رفع بیکاری و افزایش سطح درآمد خانوار حاشیه‌نشین.
- توسعه خدمات بهداشتی - آموزشی و رفاهی در شهرها و روستاهایی که بالقوه آمادگی مهاجرت به حواشی کلان شهرها را دارند.

زیاری، کرامت الله (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی شهرهای جدید، تهران: انتشارات سمت. چاپ سوم.

شکویی، حسین (۱۳۵۴). حاشیه‌نشینان شهر تبریز (منطقه شمال تبریز)، تبریز، انتشارات دانشگاه آذرآبادگان. چاپ اول.

عابدین درکوش، سعید (۱۳۸۰). درآمدی بر اقتصاد شهر، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

قرخلو، مهدی؛ شریفی، عبدالنبی (۱۳۸۳). پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی اقتصادی حاشیه‌نشینی (مطالعه موردی: محله عین ۲ اهواز)، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۳۶، شماره ۵۰، صص ۸۷-۱۰۲.

مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر (۱۳۷۸). تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

نوحه‌گر، احمد؛ حسین‌زاده، محمد؛ رضا، اسماعیلی؛ افشار، راحله (۱۳۸۹). بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوار بر شاخص‌های کالبدی محله نایبند شمالی و جنوبی در شهر بندر عباس، فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی - سال سوم، شماره چهارم، صص ۸۲-۶۷.

هیراسکار، جی کی، (۱۳۷۶). درآمدی بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، ترجمه محمد سلیمانی؛ احمدرضا یگانی‌فرد، چاپ اول، تهران، جهاد دانشگاهی تربیت معلم.

Ahmad,S, choi,M.J (2012) Quantative and qualitative demand for slum and non-slum housing in delhi: Empirical evidences from household data, Journal Habitat International xxx, pp.1-10.

Flacke , J, Sliuzas, R (2011) Modeling Informal Settlement Growth in Dar es salaam, Tanzania, FIKRESELAASSIE KASSAHUN ABEBE Enschede, The Netherlands, March 2011.

Khalifa, Marwa, (2011) A Redefing slums in Egypt: Unplanned versus unsafe areas, Journal Habitat International 35, pp.40-49.

Un (2000,2003) milleenium Devlopment goals, undp , WWW.Noviran.ir.

Wekesa, B.W, Steyn, G.S,Otieno, F.A.O, (2011) A review of physical and socio- economic characteristics and intervention approaches of informal settlements, Journal Habitat International 35,pp.238-245 .

Zulu ,Eliya M., Donatien Beguy, Alex C. Ezech, Philippe Bocquier, Nyovani J. Madise, John Cleland, and Jane Falkingham(2011) Overview of migration, poverty and health dynamics in Nairobi City's slum settlements, Journal of Urban Health: Bulletin of the New York Academy of Medicine, Vol. 88, Suppl. 2.

بهبود سرانه کاربری‌های شهری در محله از طریق افزایش دادن سرانه‌های مسکونی، فرهنگی، آموزشی، تجاری در محله با حمایت دولت و با مشارکت مردم.

منابع

امکچی، حمید (۱۳۸۲). ابزارهای حقوقی و قانونی مؤثر بر برون‌فکنی جمعیت و بروز حاشیه‌نشینی در برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، صص ۶۴-۵۶.

انتظاری، محمد (۱۳۶۸). عوامل و انگیزه‌های حاشیه‌نشینی در شهرهای ایران، مجله‌ساختمان، سال دوم، شماره ۸، صص ۸-۱.

آقابخشی، سعید (۱۳۸۲)، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: دانشگاه بهزیستی و توانبخشی.

بیرانوندزاده، مریم؛ نادر دهقانی، سیدعلی؛ سرخ‌کمال، کبری؛ علیزاده، سیددانا (۱۳۸۹). نگرش تحلیلی بر ساختار کالبدی-اقتصادی-اجتماعی محله علی‌آباد شهر خرم‌آباد، اولین همایش شهروندی و مدیریت محله‌ای حقوق و تکالیف، تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران.

جمالی، فیروز (۱۳۸۲). مهاجرت، شهرها و سازگاری مهاجران، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، دوره ۴۵، شماره ۱۸۲، صص ۶۱-۸۱.

حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینان تبریز، تبریز: دانشگاه تبریز، چاپ سوم

خوب‌آیند، سعید (۱۳۸۴). تحلیل فضایی علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر اصفهان، پایان‌نامه دکتری، گروه جغرافیا، دانشگاه اصفهان، استاد راهنما: محمدرضا پورمحمدی

ربانی، رسول؛ بحرینی، فروغ‌السادات؛ وارثی، حمیدرضا؛ حسینی، محمدرضا (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسئله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در اهواز، مجله جغرافیا و توسعه، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۱۴-۸۹.

زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۸۰). حاشیه‌نشینی، چاپ سوم، شیراز: دانشگاه شیراز.

زنگی‌آبادی، علی؛ مبارکی، امید (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن؛ مطالعه موردی (محلات احمدآباد، کوی بهشتی، خلیل‌آباد)، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی سال ۲۳، پیاپی ۴۵، شماره ۱، صص ۸۰-۶۷.

زورمند، اسماعیل (۱۳۸۷). امکان سنجی توانمندسازی اسکان غیررسمی در شهر مهاباد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان، دانشکده علوم انسانی، استاد راهنما: شهریور روستایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی